

اسب " ترورا " در انتخابات یازدهم

فرهنگ قاسمی



علیرغم اینکه بسیاری از افرادی که از رژیم جدا شده اند و امروز در میان اپوزیسیون قرار دارند و در اصطلاح آنها را اپوزیسیون خودی می‌نامیم، علناً اعلان کردند که باید در این انتخابات شرکت کرد. اما بسیاری از طرفداران آزادی و دموکراسی و استقلال و سکولاریسم و لائیسیته خواستار تحریم فعال انتخابات شدند. سازش بین گروه اول یعنی اپوزیسیون خودی و عوامل فعال جمهوری اسلامی و ولایت فقیه باعث شد که خواست گروه دوم یعنی طرفداران تحریم فعال که هدفش کشانید انتخابات به مرحله دوم بود به نتیجه نرسد.

برای استقرار حاکمیت ملت آزادی انتخابات یکی از وسایل بسیار عمده ای به شمار می‌رود که اگر درست از آن استفاده شود می‌تواند قدرت را بطور ادواری به مردم و به نمایندگان منتخب ملت انتقال دهد و باعث رشد دموکراسی در جامعه گردد. در انتخابات اخیر یک بار دیگر علناً مشاهده شد که در جمهوری اسلامی نه تنها ولی فقیه بعنوان نماینده خدا در روی زمین عمل میکند و به بهانه مصلحت آنان به جای مردم تصمیم می‌گیرد بلکه حاکمیتی را برآنان اعمال می‌کند که بمراتب بدتر از حاکمیت خلفای اموی و عباسی و سلاطین صفوی است. شرایط حساس سیاسی جامعه قبل از یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری ایران و کشمکش‌های متفاوت بین گروه‌های گوناگون موجود در میان حاکمیت و مشکلات اقتصادی که دامن گیر طبقه متوسط و کم درآمد جامعه شده است به هیچوجه اجازه نموداد که در دوران انتخابات کوچکترین زمینه‌ای برای یک اعتراض یا حرکتی اجتماعی فراهم شود. او حتی توانست در یک معادله سیاسی بین رقبای داخل حاکمیت جمهوری اسلامی با رفسنجانی و خاتمی سازش کرده و در واقع با یک عمل جراحی فوری مهره‌های خود را طوری تعبیه نمایند که بخشی از افکار عمومی ایرانی به راحتی مغبون سیاست این حلقه محافظ رژیم شود و از آن دنباله روی کند. از سوی دیگر این حلقه شرایط را طوری فراهم نمودند که محمود احمدی نژاد که مدعی افشای بسیاری از عملیات پنهانی ولی فقیه و افراد وابسته به او بود لب فروبست و خاموشی برگزید.

علیرغم اینکه بسیاری از افرادی که از رژیم جدا شده اند و امروز در میان اپوزیسیون قرار دارند و در اصطلاح آن‌ها را اپوزیسیون خودی می‌نامیم، علناً اعلان کردند که باید در این انتخابات شرکت کرد. اما بسیاری از طرفداران آزادی و دموکراسی و استقلال و سکولاریسم و لائیسسته **خواستار تحریم فعال انتخابات** شدند. سازش بین گروه اول یعنی اپوزیسیون خودی و عوامل فعال جمهوری اسلامی و ولایت فقیه باعث شد که خواست گروه دوم یعنی طرفداران تحریم فعال که هدفش کشانید انتخابات به مرحله دوم بود به نتیجه نرسد.

بسیاری از طرفداران تحریم فعال امیدوار بودند که در فاصله بین مرحله اول و دوم انتخابات ریاست جمهوری فرایند رشد و آگاهی اجتماعی بالا برود و زمینه‌های عینی یک جنبش سازنده در جامعه فراهم گردد.

نویسنده این مقاله در مصاحبه های خود از جمله در **نودمین نشست انجمن گفتگو و دموکراسی** در روزهای قبل از انتخابات دوره یازدهم ریاست جمهوری و همینطور در نوشته خود که بعنوان **تحریم فعال انتخابات و نافرمانی مدنی** سرمقاله سایت **رنگین کمان بنیاد آزادی اندیشه و بیان** انتشار یافت، پیش بینی کرده بود که این انتخابات به دور دوم نخواهد انجامید. متأسفانه این پیش بینی درست بود. آیا در صندوق‌های رأی دستکاری شده یا نشد یکی از سؤالاتی است که آینده بدان پاسخ خواهد داد و باید مطمئن بود که با توجه به همه امکاناتی که در دنیا امروز وجود دارد حقیقت را به مدت زمان طولانی نمی‌توان زیر ابرهای سیاه پنهان کرد.

حاکمیت که براین واقعیت آگاه بود تمام کوشش خود را به کار انداخت تا انتخابات به مرحله دوم نرسد و در همان روز اول یکی از هشت دست چین شدگان ولی فقیه بعنوان رئیس‌جمهور به مردم معرفی گردد.

به گفته یکی از مدحان رژیم جمهوری اسلامی " نفی تهمت تقلب از دامن نظام و جذب بخشی از نیروهای مخالف به علاوه برگزاری انتخابات کم هزینه با امنیت و آرامش کامل و نیز ناکامی دشمنان انقلاب اسلامی و طراحان پروژه انتخابات به اصطلاح آزاد در کنار رای شدید و محکم به رئیس‌جمهور منتخب در برابر دیگر نامزدها از دستاوردهای مثبت انتخابات 24 خرداد بود."

دیدیم همینطور هم شد. اگرچه در این روند علی‌خامنه‌ای در استراتژی

خود برنده شد. اما نباید فراموش کرد که در اجرای این کار نقش اپوزیسیون خودی اپوزیسیونی که در تصمیم گیری سیاسی خود اخلاق را فدای بازی‌های سیاسی کرد؛ بی‌تأثیر نبود.

همه این‌ها نشان دهنده آن است که حاکمیت نه تنها در پی فراهم آوردن معیشت، خوشبختی و امنیت برای مردم ایران نیست بلکه هدف اصلی او نگهداری قدرت و اشاعه ایدئولوژی مذهبی به عبارت دیگر، استقرار پان اسلامیسیم که هدفش ایجاد وحدت بین کشورهای مسلمان که یکی از هدف‌های مسلم انقلاب اسلامی ایران می باشد است. برای دست یافتن به این هدف طی این سال‌های گذشته و در مراحل مختلف جمهوری اسلامی ایران نشان داده که قادر است در مواقع لزوم، نه تنها هم مخالفین را خاموش کند بلکه آن‌ها را به صفوف خود بکشاند و به طور متحد عمل نماید.

از سوی دیگر جمهوری اسلامی ایران با اداره کردن این انتخابات در شرایطی آرام توانست در موضع برخی از دولت‌های خارجی که تا قبل از انتخابات لحن تندی نسبت به حاکمیت داشتند تغییربوجودآورد و باعث گردد که برخی از مفسرین سیاسی بین‌المللی ادعا کنند که حاکمیت جمهوری اسلامی حاکمیتی می‌باشد که از موقعیت واستحکام کافی برای اداره کل کشور برخوردار است و مشروعیت لازم را در این کار دارد.

اما ما بعنوان اپوزیسیون که خواستار از بین بردن جمهوری اسلامی و برقراری یک حاکمیت دموکراتیک، آزادی‌خواه، طرفدار عدالت و انسانیت هستیم باید بدون طفره رفتن قبول کنیم که در این مرحله نیز شکست خوردیم.

یکی از علت‌های شکست خوردن ما نبود اتحاد عمل و حداقل همکاری در مبارزه علیه جمهوری اسلامی می‌باشد. در حالی که همه ما به طور جدا جدا و پراکنده صحبت از اتحاد و همبستگی می‌کنیم اما در عمل قادر نیستیم این شرایط را به طور واقعی بوجودآوریم. هرگاه صحبت از اتحاد عمل و همبستگی می‌شود به جای اجتماع، انفصال بیشتری بین ما حاکم می‌گردد. علت اساسی آن هم این است که حاضر نیستیم منافع شخصی و خصوصی خود را فدای مصلحت‌های عمومی و اجتماعی بکنیم یا حداقل تعادلی بین خواست‌های فردی و اجتماعی به وجود بیاوریم.

هر انسان عاقل وقتی در امری شکست می‌خورد به تنهایی یا به اتفاق همراهان خود می‌نشیند و کارنامه شکست خود را تنظیم می‌نماید، سعی می‌کند علت‌های شکست را طبقه بندی نماید و برای هر کدام از آن‌ها

راه حل پیدا کند و دوباره نیروهای خود را متشکل نماید و آماده کارزار گردد.

متأسفانه برخی از افراد و سازمان‌های سیاسی به جای برخوردی پرسش‌گرانه از وضعیت کنونی به ناگاه به این نتیجه رسیدند که شاید حسن روحانی قادر است تغییراتی در نظام به وجود بیاورد و باعث اصلاحات شود! به همین جهت با نوشتن نامه‌های سرگشاده، از کسی که خود یکی از عوامل اجرائی بسیاری از بی‌عدالتی‌ها در ایران به شمار می‌رود، تقاضای اصلاحات و عدالت خواهی کردند. پنهان نمی‌کنم که از جمله، از نامه سرگشاده جبهه ملی اروپا و امریکا متأسف شدم.

انسان‌هایی که اعتقاد به نیروی مردم دارند باید بتوانند برای به حرکت درآوردن این نیرو در کنار هم قرار بگیرد. انسان‌هایی که ایمان به عدالت و انسانیت دارند باید بتوانند برای استقرار عدالت و انسانیت، همسازی و مصالحه کنند. قرار گرفتن در کنار کسانی که حقوق انسان‌ها و آزادی و دموکراسی را زیر پا گذاشته‌اند و طلب دادخواهی از کسانی که خود از عوامل بی‌عدالتی بوده‌اند، به ویژه از سوی انسان‌هایی که اعتقاد به نیروی مردم دارند، در تقابل با آزادگی و انصاف و حقیقت‌جویی آنهاست.

فرهنگ قاسمی

یکشنبه دوم تیرماه ۱۳۹۲ خورشیدی - ۲۳ ژوئن ۲۰۱۳